

## حکم غنا از نظر شیعه و اهل سنت

محدثه بوجانی<sup>۱</sup>، طاهره کریمی<sup>۲</sup>

### چکیده

یکی از مسائل مهم در علم فقه، بررسی غنا و محدوده جواز و حرمت آن است. از آنجاکه در کشور ایران شیعه و سنی در کنار هم زندگی می‌کنند، پس ضروری است تا حکم غنا را از دیدگاه مذاهب خمس برسی شود. پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و در محدوده فقه و با استفاده از منابع معتبر کتابخانه‌ای گردآوری شده است. نتایج بررسی‌ها نشان داد که به صوتی که با ترجیح و کیفیت خاصی ادا شود که طرب‌انگیز باشد، غنا می‌گویند. در آیات و روایات نیز به غنا اشاره شده است. گاهی به معنای مذموم است مثل آیه لهو الحدیث و گاهی در معنای مثبت به کار رفته است البته تا زمانی که به حد معصیت نرسد. از منظر فقها شیعی، جز عده معدودی، غنا فی الجمله حرمت ذاتی دارد، اما اهل سنت درباره حکم غنا اختلاف بسیاری دارند. استثناهایی در حکم حرمت غنا وجود دارد مثل غنا در عروسی، مراثی و حدا که قائلین به جواز برای اثبات نظریه خود به روایات و اقوال فقها تمسک کرده‌اند.

**واژگان کلیدی:** غنا، فقه، حکم غنا، لهو الحدیث، امامیه، اهل سنت.

---

۱. دانش آموخته کارشناسی فقه و اصول از کشور هندوستان، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی ص العالمیه، قم، ایران.

۲. استاد همکار و مدیر گروه علمی-تربیتی فقه و اصول، سطح چهار فقه و اصول، مجتمع آموزش عالی بنت‌الهدی، جامعه‌المصطفی ص العالمیه، قم، ایران.

از مهمترین مسائل عرصه فرهنگ و هنر و فقه مسئله غنا و موسیقی است. تأثیر شگفت‌انگیز غنا و موسیقی بر روح آدمی توجه بیشتر اقوام را از دیرباز به سوی خود جلب کرده است. تأثیر غنا و موسیقی به قدری زیاد بوده است که شاهان ساسانی، خلفای اموی و عباسی و... گاه برای نواختن یک قطعه کوتاه پول‌های گزافی را می‌پرداخته‌اند. با توجه به پیچیده شدن مسائل مربوط به غنا و موسیقی باید به طرح پرسش‌های نوین و فهم تفاوت کاربردهای غنا و موسیقی و روشن شدن بیشتر زوایای مخفی غنا در موسیقی، تلاش ورزید که به فهم دقیق‌تری از حکم شارع مقدس اسلام رسید و تا حد امکان تکلیف موضوعات مشتبه و مورد احتیاط را روشن کرد. هدف از نوشتار حاضر اطلاع‌رسانی به جوانان از حکم غنا با توجه به شیوع غنا در دوره معاصر است تا به بهانه زندگی در کشور اسلامی و وجود کلاس‌های آموزشی در این زمینه خود را مجاز به هر نوع غنا ندانند. از آنجا که بحث غنا از دیرباز تا کنون رواج داشته روایات در این زمینه بسیار است و در کلام فقها نیز به حکم این مورد اشاره شده است. در برخی مسائل بحث غنا اختلاف دارند و در برخی مسائل اجماع. در دوره معاصر نیز کتاب‌ها، مقالات و پایان‌نامه‌ها در این زمینه نگارش شده است مثل کتاب غنا و موسیقی اثر رضا مختاری و کتاب موسیقی و غنا از دیدگاه اسلام اثر محمد اسماعیل نوری و بسیاری دیگر از نوشتارها. سعی بر این است تا با جمع‌آوری مطالب مربوط به حکم غنا به صورت مختصر گامی در تبلیغ دین اسلام برداشته شود. نوشتار حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال اصلی که حکم غنا از نظر شیعه و اهل سنت چیست؟ می‌باشد. برای رسیدن به پاسخ این پرسش باید به سؤالات فرعی مثل معنای غنا چیست؟ تاریخچه ورود غنا به جهان اسلام چگونه است؟ نظر فقهای شیعه در مورد حکم غنا چیست؟ نظر علمای اهل سنت در حکم غنا چیست؟ استثنا از غنا چه مواردی را دربرمی‌گیرد؟ نیز پاسخ داده شود. بنابراین، نوشتار حاضر به روش توصیفی و در محدوده فقه با استفاده از منابع کتابخانه‌ای گردآوری می‌شود.

## ۲. تعریف غنا

واژه‌شناسان کلمه غنا را با عبارت‌های مختلف بیان کرده‌اند و درباره معنای غنا در میان لغویان اختلاف زیادی وجود دارد که به برخی از آنها اشاره می‌شود. ابن منظور غنا را به صدایی که شادی‌آفرین باشد معنی کرده است. (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۳۶/۱۵؛ ابن اثیر، بی‌تا، ۳/۳۹۱؛ زبیدی، ۱۴۱۴، ۲/۳۴۴؛ فراهیدی، ۱۴۱۰، ۴/۴۵۰) ایشان در توضیح این لغت گفته است: «هر کس صدای خود را بلند کند، عرب به آن صدا غنا می‌گوید» (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۵/۱۲۶). در لغت‌نامه دهخدا به نقل از سه کتاب منتهی‌الادب، غیث اللغات و اقرب‌الموارد تعاریفی آمده است مثل آوازخوش که طرب‌انگیزد، سرود، نغمه و سرودخوانی، آواز خوش طرب‌انگیزه. غنا به معنای تغنی و آوازخوانی است و آن در صورتی تحقق می‌پذیرد که الحانش از شعر و همراه با کف زدن باشد و این نوعی بازی است (دهخدا، ۱۳۴۱، ۲۷/۳۲۸). صاحب مجمع‌البحرین معتقد است: «غنا صدایی است که ترجیح شادی‌آفرین و طرب‌انگیز را دربرگیرد یا صدایی که عرف آن را غنا بداند اگرچه مطرب نباشد». اعم از اینکه قرائت قرآن یا شعر باشد و یا در غیر اینها (طریحی، ۱۴۱۶، ۲/۳۳۵). از مجموع تعاریفی که بیان شد و دیگر لغت‌دانان به دست می‌آید که غنا به معنای صوتی است که با ترجیح و کیفیت خاصی ادا شود که طرب‌انگیز باشد و یا آوازخوش و شادی‌آفرین را غنا می‌گویند.

## ۳. غنا در کلام فقها

فقها در آثار فقهی خود در مورد غنا تعابیری دارند که در ذیل به برخی از این بیانات اشاره می‌شود. محقق نراقی نیز در مستند الشیعه تعریف‌های گوناگونی برای مفهوم غنا نقل می‌کند مانند صوت طرب‌آور. صوت حاوی ترجیح و طرب، ترجیح صوت، صدای مطرب، بلند کردن صدا با ترجیح، کشیدن صدا، کشیدن صدا با ترجیح، کشیدن صدا با ترجیح و شادی‌آفرین، کشیدن صدا به گونه شادی‌آفرین، نیکوگردانیدن صدا کشیدن و پی در پی آوردن صدا، صدای موزون و مفهومی که قلب به جنبش درآورد. (نراقی، ۱۴۱۵، ۱۸/۱۸۲) علاوه بر معانی و تعاریف یاد شده توسط محقق نراقی دیگر فقها معانی دیگری را بیان کرده‌اند مانند شهید ثانی در مسالک می‌فرماید: «غنا

کشیدن صوتی است که مشتمل بر ترجیع طرب آور باشد، پس صدای خالی از این دو وصف، حرام نیست اگرچه دارای یکی از این دو وصف باشد» (شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۱۲۶/۳).

فاضل مقداد غنا را صوتی می‌داند که در عرف غنا نامیده شود. (فاضل مقداد، ۱۴۰۴، ۱۱/۲) برخی دیگر عقیده دارند غنا صوتی است که مناسب با برخی آلات لهو و رقص باشد (شیخ انصاری، ۱۴۲۰، ۱/۲۹۷). صدایی که مشتمل بر کلام لهو یا همراه با آلات لهو باشد (شریف کاشانی، ۱۴۱۷، ص ۶۸) و صوتی که در بین عرب به آن غنا گفته شود اگرچه طرب آور نباشد (عاملی، شهید ثانی، ۱۴۱۰، ۳/۶۸) و همچنین صوتی که مشتمل بر ترجیع است اگرچه طرب آور نباشد (شریف کاشانی، ۱۴۱۷، ص ۶۸). امام خمینی رحمته الله علیه در کتاب مکاسب محرمة در مفهوم غنا می‌گوید: «صوت ترجیع مطرب یا آنچه در عرف غناست اگرچه مطرب نباشد». صدای لهوی، صدای اهل فسق و گناه آنچه با مجالس لهو سازگاری دارد، آنچه با آلات لهو و لعب سازگاری دارد، صدای آماده شده برای مجالس لهو و لعب، صدای برانگیزاننده شهوت جنسی، صوت دربردارنده ترجیع مطرب، صوتی که شأن آن را دارد که در متعارف مردم طرب انگیزد و طرب آن سبکی آور است به گونه‌ای که عقل را در آن حالت زایل می‌کند. صدایی که حسن ذاتی دارد (اگرچه به مقدار کم) و شأن آن را دارد که برای متعارف مردم، طرب انگیزد (موسوی خمینی، ۱۴۱۰، ۱/۱۹۸). غنا عبارت است از: صوت انسانی که از رقت و زیبایی ذاتی برخوردار است. بنابراین، با قید رقت و زیبایی صوت، صدای فردی که صوت پست و زشتی دارد از مفهوم غنا خارج است (موسوی خمینی، ۱۴۱۰، ۱/۳۰۵). ایشان در ادامه با نتیجه‌گیری از مباحث مطرح شده در تعریف غنا، تعریف مشهور فقها را درباره غنا چنین نقد می‌کند: «با مطالبی که در تعریف غنا بیان کردیم، اشکال و ایراد تعریفی که منسوب به مشهور است که مشهور غنا را کشیدن صدا همراه با ترجیع طرب انگیز می‌دانند، روشن می‌گردد، پس حقیقت غنا به مد و ترجیع قائم نیست. در بسیاری از افراد غنا، مد و ترجیع صدا وجود ندارد. شاید علت اینکه در تعریف مشهور، این دو قید آمده است، آن است که غنای متعارف در زمان آنان مشتمل بر ترجیع و مد بوده است و آنان گمان کرده‌اند که مد و ترجیع از مقومات غنا هستند (موسوی خمینی، ۱۴۱۰، ۲/۳۰۵). با توجه به کلام فقها در تعریف غنا عناصر اصلی غنا در گفتار فقها علاوه بر

زیبایی صدا و طربناک بودن آن، شهوت‌انگیز بودن و گمراه‌کنندگی و مناسبت صدا با مجالس گناه و عیش و نوش است (حسینی رودباری، ۱۳۹۱، ص ۳۷).

#### ۴. تاریخچه غنا

آن‌گونه که از کتاب‌های تاریخی معتبر به دست می‌آید فن موسیقی و غنا پیش از آنکه در جزیره‌العرب رواج یابد در میان اقوام متمدن آن زمان مانند ایران و روم شناخته شده و استعمال می‌شده است. گروه مغنیان در نزد فارسیان جایگاه ویژه‌ای داشته‌اند و مجالس مهم خویش را در همه شهرها و ایالات به آواز و صناعت آنان پرشور و گرم می‌داشته‌اند، اما عرب جاهلی با این هنر همچون هنرهای زیاد دیگری ناآشنا بود. ابن‌خلدون در این باره می‌نویسد: «عرب‌ها در آغاز که به فن (شعر) آشنا شدند کلام خویش را با حفظ تناسب حروف متحرک و ساکن در قالب‌های شعری جدا جدا می‌ساختند و به آن (بیت) می‌گفتند» (ابن‌خلدون، ۱۳۹۱، ص ۴۲۶-۴۲۸). ورود موسیقی فنی و پیچیده در اثر ارتباط اقوام عرب جاهلی با اقوام دیگر حاصل شد. ابوالفرج می‌نویسد: «مهمترین ابزاری که عربان حجاز پیش از اسلام برای نواختن به کار می‌بردند دف چهارگوش و نی لبک و نی بلند بود» (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۷۳، ۱۵۷/۲).

در دوران پیامبران اسلام ﷺ نفوذ موسیقی از دیگر سرزمین‌ها در قلمروی عرب آغاز شده بود. خنساء بزرگ‌ترین زن شاعر عرب که در روزگار پیامبر ﷺ می‌زیست مرثیه‌هایی در رثای برادرش سروده که با آواز خوانده می‌شده است. (ابوالفرج اصفهانی ۱۳۷۳، ص ۱۴۰) با ظهور اسلام در میان جامعه متعهد به دین به دلایل فراوانی از جمله: وضعیت انقلابی روزگار پیامبر ﷺ و فراوانی جنگ‌ها و درگیری‌ها از وجود زنان آوازخوان و موسیقی‌شهواری خبری نبوده است. در زمان پیامبر ﷺ (حداً) رواج داشته آن هم به نقل ابن‌منظور ویژه شتریانان نبوده است بلکه عرب در وقت‌های فراغت آن را زمزمه می‌کرده است. اما پیامبر ﷺ بیشتر دوست داشت که به جای تغنی به‌گونه ركبانی یعنی، آوازهای رایج در میان عرب، قرآن تلاوت شود. در این نقل اگرچه پیامبر اکرم ﷺ درخواست تبدیل ماده زمزمه آنان را به قرآن دوست می‌داشته، ولی نسبت به چگونگی زمزمه

به قرآن دستور جدیدی نداده و یا گونه خاصی را پیشنهاد نکرده است (ابن منظور، ۱۴۱۴، ۱۳۵/۱۰). روشن است که یکی از جلوه‌های هنر خوش‌خوانی در دوران نزول قرآن در قرائت قرآن جلوه کرد، اما غنا به‌طور مطلق کم‌کم در دوره‌های بعدی در فرهنگ مردم به‌ویژه در منش خلفا جایگاه ویژه‌ای یافت (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۷۳، ۱۷۳/۲).

البته وجود غنای لهوی در میان عربان جاهلی به‌ویژه استفاده از کنیزان آوازخوان انکار نمی‌شود، ولی در دوران بیان تفصیلی احکام (دوران مدینه) و در میان جامعه‌ای که مخاطب بیان احکام بودند هرگز چنین غنایی رواج نداشته است. بدین دلیل بعضی از مورخان به وجود کنیزکان آوازخوان که با صدای خوش و استفاده از آلات لهو و لعب در جذب مردان فاسق می‌کوشیدند، اشاره کرده‌اند. (ابوالفرج اصفهانی، ۱۳۷۳، ۳۱۸/۶) بعید نیست که آیه شریفه «ولا تکرهوا فتیاتکم علی البغاء ان اردن تحصناً» (نور: ۳۳) نیز به نهی موالی این کنیزان از این عمل ناپسند نظر داشته است، ولی با این همه در عصر بیان احکام از این عادت ناپسند، در میان جامعه اسلامی اثری نبوده است. باتوجه به این نکته نمی‌توان مانند بعضی از فقها و نویسندگان، غنای زمان پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله را دارای حقیقت عرفیه در غنای لهوی و شهوانی دانست (معرفت، ۱۳۸۸، ۲۰۴/۵). اگرچه پذیرش حقیقت عرفیه غنا و غنای لهوی در زمان صادقین علیهم السلام پس از رواج این‌گونه غنا در دستگاه بنی‌امیه و بنی‌عباس ناصواب نیست.

## ۵. غنا (خوانندگی) در آیات و روایات

با بررسی اجمالی قرآن و سنت مشخص می‌شود که این واژه در بیشتر موارد در معنای مبعوض و مذموم و در موارد اندکی نیز در معنای ممدوح به‌کار رفته است.

### ۵-۱. کاربرد واژه غنا در معنای مذموم در قرآن کریم و روایات

در قرآن، واژه غنا موضوع حکم شرعی قرار نگرفته و عنوان‌هایی در آن به‌کار رفته است که براساس روایات تفسیری بر غنا تطبیق شده‌اند.

#### ۵-۱-۱. آیه لهو الحدیث

«وَمِنَ النَّاسِ مَن يَشْتَرِي لَهْوَ الْحَدِيثِ لِيُضِلَّ عَن سَبِيلِ اللَّهِ بِغَيْرِ عِلْمٍ وَيَتَّخِذَهَا هُزُوًا أُولَٰئِكَ لَهُمْ عَذَابٌ مُّهِينٌ؛ و بعضی از مردم خریدار سخنان بیهوده‌اند تا به نادانی مردم را از راه خدا گمراه کنند و قرآن را به مسخره می‌گیرند. نصیب اینان غذایی است خوارکننده». (لقمان: ۶) شکی نیست که مراد از خریدن حدیث لهو تنها خرید و فروش نیست، بلکه اعم از محصیل، تعلیم و تعلم آن است (حسینی رودباری، ۱۳۹۱، ص ۱۰۴). روایات زیادی در تفسیر این آیه وارد شده است که در آنها لهو الحدیث بر غنا تطبیق شده است. برخی از آنها عبارتند از:

- روایت اول: محمد بن مسلم از امام محمد باقر علیه السلام نقل می‌کند که می‌فرمود: «غنا از چیزهایی است که خداوند نسبت به آن وعده آتش داده است. آنگاه آن حضرت این آیه را تلاوت فرمود: «و من الناس من يشتري لهو الحديث» (کلینی، ۱۴۰۷، ۴۷۱/۶).

- روایت دوم: حسن بن هارون می‌گوید: «از امام صادق علیه السلام شنیدم که می‌فرمود: غنا، مجلسی است که خداوند به اهلش نظر - رحمت - نمی‌کند. غنا، مصداق این سخن الهی است که فرمود: «و من الناس من يشتري لهو الحديث ليضل عن سبيل الله». (کلینی، ۱۴۰۷، ص ۴۳۳) با اینکه در کتاب‌های رجالی حسن بن هارون مجهول است و سند تمام نیست، اما می‌توان بر مبنای کسانی که قائل به موثق بودن روایاتی هستند که اصحاب اجماع از آنها روایت نقل می‌کنند در این صورت این روایت معتبر است.

#### ۵-۱-۲. آیه قول الزور

«ذَٰلِكَ وَمَن يُعْظِمْ حُرْمَتِ اللَّهِ فَهُوَ حَيْرٌ لَهُ عِنْدَ رَبِّهِ وَأُحِلَّتْ لَكُمُ الْأَنْعَامُ إِلَّا مَا يُتْلَىٰ عَلَيْكُمْ فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ؛ همچنین هر کس دست از حرام بدارد در نزد پروردگارش برایش بهتر است و چارپایان بر شما حلالند مگر آنهایی که برایتان خوانده شده، پس از بت‌های پلید و سخن باطل و دروغ اجتناب ورزید». (حج: ۳۰) وجود صیغه امر: «واجتنبوا قول الزور» ظهور

در حرمت دارد و همچنین در تفسیر این آیه روایات زیادی از ناحیه معصومین علیهم السلام وارد شده است که قول الزور را بر غنا تطبیق داده‌اند. برخی از این روایات عبارتند از:

- روایت اول: امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه: «واجتنبوا قول الزور» فرمود: «مراد از قول زور، غناست» (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۳۰۵/۱۷).

- روایت دوم: امام صادق علیه السلام در تفسیر آیه شریفه «فاجتنبوا الرجس من الاوثان واجتنبوا قول الزور» فرمود: «مراد از الرجس من الاوثان، شطرنج و... مراد از قول الزور، غناست». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۳۳۰/۱۷)

بیشتر روایات ذکر شده در ذیل این آیات از نظر سند، تمام هستند و از دیدگاه برخی فقهای برجسته (علامه حلی، ۱۳۸۷، ۴۰۵/۱) روایات متواترند. از این رو، ضعف سندی برخی از آنها مانعی در اعتبارشان نخواهد بود.

#### ۵-۲. کاربرد واژه غنا در معنای مثبت روایات

- علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر علیه السلام نقل می‌کند: «از امام کاظم علیه السلام درباره غنا در عید فطر، عید قربان و ایام شادی پرسیدم. فرمود: مانعی ندارد تا وقتی که با غنا، معصیت نشود». (حمیری، ۱۴۱۳، ص ۲۴۹)

ابا بصیر می‌گوید: «از امام صادق علیه السلام در مورد کسب زنان خواننده سؤال کردم. امام علیه السلام فرمود: کار زنان خواننده‌ای که مردها در مجلس آنان وارد نشوند و زنانی که به مجالس عروسی برای خوانندگی دعوت می‌شوند، حلال است و این از سخن خداوند است که و من الناس من یشتري لهُو الحدیث». (کافی، ۱۴۰۷، ۱۱۹/۵)

- امام صادق علیه السلام فرمود: «کار زن خواننده‌ای -مغنیه- که زفاف عروسان را برگزار می‌کند، حلال است؛ زیرا مجلسی نیست که مردان در آن وارد شوند». (کافی، ۱۴۰۷، ۱۲۰/۵)

مردی از امام سجاد علیه السلام درباره خریدن کنیزی پرسید که صورت خوبی داشت. امام علیه السلام فرمود: «اگر آن کنیز را بخری که با قرائت قرآن و اخبار مربوط به زهد و فضایی که غنا به شمار نمی‌آید،



بهشت را به یاد تو بیندازد، عیبی ندارد، اما غنا ممنوع است». (صدوق، ۱۴۱۳، ۶۰/۴) در این حدیث به ظاهر، واژه غنا در مفهوم مثبت به کار نرفته است، ولی از صدر حدیث: «عن شراء جاریه لها صوت» مشخص می شود که صوت کنیز به معنای خوانندگی اوست. این نکته با دقت در متن حدیث به ویژه حدیث: «فذكرتك الجنة» بیشتر به دست می آید.

بنابراین، از مجموعه روایاتی که ذکر شد به خوبی استنباط می شود که واژه غنا در زبان شرع مقدس - روایات معصومین علیهم السلام - در دو معنای مبعوض و ممدوح به کار رفته است. نکته مهم دیگری که از موارد کاربرد واژه غنا در روایات به دست می آید آن است که غنا از مقوله لحن، آهنگ و کیفیت صوت است. به عبارت دیگر، غنا وصف صوت است نه وصف کلام و محتوای صوت، همان طور که در مفهوم لغوی آن و بلکه معنای اصطلاحی اش، همین معنا یعنی، وصف صوت بودن از واژه غنا استفاده می شود. (حسینی رود باری، ۱۳۹۱، ص ۴۳) در این باره به دو روایت می توان استناد کرد:

- روایت عبدالله بن سنان که از قول امام صادق علیه السلام نقل می کند: «پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: قرآن را به الحان عرب قرائت کنید و مبادا قرآن را به الحان فاسقان و اهل گناهان کبیره قرائت کنید. به زودی بعد از من اقوامی می آیند که قرآن را به صورت ترجیع می خوانند مانند ترجیع در غنا و نوحه گری و رهبانیت که چنین قرائتی از سینه هایشان بالاتر نمی رود. دل های آنان وارونه است و نیز دل های کسانی که از خواندن چنین کسانی خوششان می آید». (حر عاملی، ۱۴۰۹، ۲۱۰/۶) دقت در جمله «یرجعون القرآن ترجیع الغنا» بیان گر آن است که ترجیع که خود از مقوله کیفیت صداست در تحقق غنا مدخلیت دارد.

- امام باقر علیه السلام در روایتی به ابا بصیر فرمود: «رجع بالقرآن صوتک فان الله عز و جل یحب الصوت الحسن یرجع فیه ترجیحا؛ باقرآن صدایت را ترجیع ده؛ زیرا خداوند دوست دارد صدای نیکویی را که نوعی در آن ترجیع داده می شود». (کافی، ۱۴۰۷، ۶۱۶/۲) از این روایت نیز استفاده

می‌شود ترجیح که در غنا نقش مهمی دارد از مقوله صوت است و در نتیجه، غنا نیز از همین مقوله خواهد بود. ترجیح یعنی، بازگردانیدن صدا در حلق و بلند کردن آن (ابن اثیر، بی تا، ۲۰۲/۲).

## ۶. حکم غنا از دیدگاه اسلام

### ۱-۶. بررسی فقهی حکم حرمت غنا از نظر شیعه

نگاهی هر چند کوتاه به متون فقهی عالمان شیعی از قرن چهارم هجری تا قرن کنونی به این نظریه قطعی رهنمون می‌کند که از منظر فقهاء، غنا فی الجمله حرمت ذاتی دارد و فاعل آن نیز جزء فاسقان است. (شیخ صدوق، ۱۴۱۵، ص ۳۶۲؛ شیخ مفید، ۱۴۱۰، ص ۵۸۸؛ شیخ طوسی، ۱۳۷۸، ۲۲۳/۸؛ ابن ادریس، ۱۴۱۰، ۱۲۰/۲؛ محقق حلی، ۱۴۰۸، ۲۶۴/۲؛ علامه حلی، ۱۴۱۴، ۵۸۲/۱؛ شهیدثانی، ۱۴۱۰، ۲۱۲/۳؛ خوبی، بی تا، ۳۰۴/۱) تعداد معدودی از عالمان شیعه، قول به حلیت ذاتی غنا و حرمت عارضی آن نسبت داده‌اند (سبزواری، ۱۲۶۹، ص ۸۵؛ فیض کاشانی، بی تا، ۲۱/۲). نتیجه آنکه در حرمت ذاتی غنا بین فقهای شیعی اختلافی نیست و حتی ادعای اجماع منقول و محصل نیز شده است (نجفی، ۱۴۰۴، ۴۴/۲۲). بین فقیهانی که قائل به حرمت ذاتی غنا یا حلیت ذاتی غنا شده‌اند نزاع جدی وجود ندارد و این نزاع تبیین نشدن و نرسیدن به تفاهم مشترک در مفهوم غناست. غنایی که بیشتر فقها به حرمت آن قائلند غنا و صوت لهوی مضل است و غنایی که برخی از فقها به حلیت ذاتی آن قائلند، غنا به معنای صوت مطرب غیر لهوی است.

### ۲-۶. حکم غنا از نظر فقهای اهل سنت

اهل سنت درباره حکم غنا اختلاف بسیاری دارند و کمتر مسئله‌ای است که به این اندازه مورد اختلاف فتاوی علمای اهل سنت قرار گرفته باشد. حنفی‌ها، حنبلی‌ها و آنچه از مذهب مالکی استفاده می‌شود گفته‌اند: «شغل قرارداد غنا و آوازخوانی به گونه‌ای که معیشت خود را به وسیله آن تأمین کند، حرام است». امام شافعی گفته است: «هر زن یا مردی که غنا و آوازخوانی را شغل خود قرار دهد به گونه‌ای که با آن معروف گردد، شهادتش در دادگاه قبول نمی‌شود؛ زیرا آن کار لهوی

است که شباهت به باطل دارد و هر کسی که این نوع کارها را انجام دهد به سفاهت و سقوط مروت منسوب می‌گردد، اگرچه حرمت آن معلوم نباشد» (وزارت اوقاف و شئون اسلامی، ۱۴۰۴، ۲۹۶/۳۱). همه فقهای اسلام قائل شده‌اند که گوش دادن به غنا در موارد زیر حرام است:

- در صورتی که همراه با غنا عمل زشت و حرام دیگری انجام گیرد؛

- احتمال دهد و ترس از این داشته باشد که گوش دادن به غنا به فتنه‌ای مثل عشق ورزیدن به زن اجنبی یا پسر یا مرد (بی‌ریش) و یا تحریک شهوت به سوی زنا و امثال آن منجر شود (وزارت اوقاف و شئون اسلامی، ۱۴۰۴، ۲۹۶/۳۱)؛

گوش دادن به غنا به ترک واجب دینی مثل نماز و یا ترک کار لازم دنیوی منجر شود، ولی اگر به ترک مستحباتی مانند نماز شب و امثال آن منجر شود، مکروه می‌شود، ولی اگر برای استراحت روح و بدون ضمیمه فوق باشد علما در حکم آن اختلاف کرده‌اند. جماعتی آن را ممنوع و گروهی مجاز دانسته‌اند مانند عبدالله بن مسعود (صحابی بزرگ پیامبر) قائل به حرمت شده است. همچنین اکثر علمای عراق از جمله ابراهیم نخعی، عامر شعبی، حماد بن ابی سلیمان، سفیان نوری خنقی‌ها و بعضی از حنبلی‌ها قائل به حرمت شده‌اند. شافعی‌ها، مالکی‌ها و بعضی از حنبلی‌ها قائل به کراهت شده و گفته‌اند اگر کسی به غنای زن نامحرم گوش دهد کراهتش شدیدتر است. عبدالله بن جعفر، عبدالله بن زبیر، نغیره بن شعبه، اسامه بن زید، عمران بن حصین، معاویه بن ابی سفیان و برخی دیگر از صحابه و نیز عطابن ابی رباح و بعضی دیگر از حنبلی‌ها مانند ابوبکر خلال و ابوبکر عبدالعزیز و نیز محمد غزالی از شافعی‌ها قائل به اباحه شده و گفته‌اند: «گوش دادن به غنای خالی از محرمات دیگر، حلال است» (وزارت اوقاف و شئون اسلامی، ۱۴۰۴، ۹۰/۴).

عبدالرحمان جزیری در کتاب الفقه علی المذاهب الاربعه نظر مذاهب چهارگانه اهل سنت را درباره غنا و موسیقی به ترتیب زیر نقل کرده است:

**الف) شافعی:** امام غزالی در احیاءالعلومالدین گفته است: «روایات، دلالت بر حلال بودن غنا، رقص و دایره زدن دارد به شرط اینکه فتنه یا محظور دینی بر آن مترتب نباشد.»

**ب) حنفی** ها گفته‌اند: «غنا ی حرام آن است که بر الفاظ حرام مانند توصیف زن معین یا توصیف شراب بدگویی از مسلمان و امثال آنها مشتمل باشد وگرنه حرام نیست.»

**ج) مالکی** ها: «آلات موسیقی که نکاح را آشکار می‌سازد مثل طبل و دایره بدون حلقه، استعمال آنها تنها درباره نکاح جایز است». بعضی از آنها گفته‌اند: «موسیقی تنها در مجلس ولیمه نکاح مباح است». بعضی دیگر گفته‌اند: «موسیقی در مجلس عروسی و عقد و هر مجلس سرور و شادی دیگر مباح است و اختصاص به ولیمه نکاح ندارد، اما غنا فقط رجز خواندن با آهنگ غنا حلال و بقیه حرام است.»

**د) حنبلی** ها: «هیچ کدام از آلات موسیقی مانند عود، مزمار، طبل، رباب و امثال اینها حلال نیست. اگر یکی از اینها در مجلس ولیمه باشد اجابت دعوت و رفتن به آن مجلس حلال نمی‌باشد، اما غنا زیبا نمودن صدا و ترنم ذاتاً حلال است و با آهنگ خواند قرآن، مکروه است.» (وزارت اوقاف و شئون اسلامی، ۱۴۰۴، ۴۲/۲) امام محمد غزالی شافعی از کسانی است که به مباح بودن موسیقی و غنا فتوا داده است (جزیری، ۱۴۱۹، ۴۲/۲). او در کتاب احیاء علومالدین بحثی دارد با نام آداب السماع والوجد. وی پس از اشاره به اقوال مختلف بزرگان سنت درباره سماع یعنی، شنیدن موسیقی و غنا و نقل خواب و رؤیای بعضی از اهل سنت در تمجید سماع می‌گوید: «معنای سخن کسانی که می‌گویند سماع حرام است، این است که خدای تعالی مرتکب آن را عذاب می‌کند و این چیزی است که از طریق عقل و نقل ناشناخته است؛ زیرا شناخت شرعیات منحصر است به نص و قیاس وقتی که درباره چیزی نص و قیاس وجود نداشته باشد قول به حرمت آن باطل می‌شود و آن عمل جزء مباحات خواهد بود و درباره سماع نیز هیچ نصی و قیاسی دلالت بر حرمت نمی‌کند» (وزارت اوقاف و شئون اسلامی، ۱۴۰۴، ۴۳۱/۲). ایشان برای اثبات مدعای خود دلایلی آورده است که آنها واضح و آشکار است، حتی برخی از آنها توهین به

مقام شامخ رسول خدا ﷺ است از جمله دو مورد زیر از غزالی که دلیل بر جواز غنا و موسیقی است:

الف) عایشه می‌گوید: «روزی دو کنیز خواننده در منزل آوازخوانی می‌کردند. پیامبر ﷺ وارد شد و اعتراضی نکرد، خوابید و صورت خود را پوشاند. در این حال ابوبکر وارد شد و مرا از این کار منع کرد. پیامبر ﷺ صورت خود را باز کرد و به ابوبکر فرمود: بگذار بخوانند ایام عید است.» (غزالی، ۱۳۹۰، ۲/۴۴۲)

ب) عایشه می‌گوید: «عده‌ای از سودان آمده بودند و بازی رقص و پای کوبی می‌کردند. پیامبر ﷺ به من فرمود، می‌خواهی تماشا کنی؟ گفتم: آری. پیامبر ﷺ مرا در پشت خود قرار داد به گونه‌ای که سرم را به شانه ایشان بگذارم و صورتم در کنار او قرار گرفت. آن قدر تماشا کردم تا خسته شدم. پیامبر ﷺ فرمود: بس است؟ گفتم آری. فرمود: پس برو به خانه.» (غزالی، ۱۳۹۰، ۲/۴۴۳)

## ۷. موارد استثناء از حرمت غنا

### ۱-۷. غنا در عروسی

عده‌ای از متأخرین قائل به جواز غنا در عروسی شده‌اند. (محقق حلی، ۱۴۱۸، ص ۱۱۶؛ شیخ انصاری، ۱۴۲۰، ۱/۲۶۶؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۲۲/۴۹؛ شهید اول، ۱۴۱۲، ۳/۱۶۲؛ شهید ثانی، ۱۴۱۳، ۳/۱۲۶) امام خمینی رحمته‌الله علیه می‌فرماید: «شکی نیست که غنا فی‌الجمله در مجلس زفاف عروس جایز است و از حکم کلی غنای حرام، استثنا شده است» (موسوی خمینی، ۱۴۱۰، ۱/۲۳۲). آیت‌الله خوبی می‌فرماید: «غنای زنان خواننده در مجالس زفاف عروس جایز است و بسیاری از اصحاب نیز آن را از حکم کلی غنای حرام استثنا کرده‌اند تا زمانی که مشتمل بر عمل حرامی نباشد» (خویی، بی‌تا، ۱/۳۱۴). بیشتر متأخرین از فقها به حلیت و مباح بودن غنا در عروسی حکم داده‌اند. دیدگاه کسانی که غنا در عروسی را از موارد استثنای غنای محرم دانسته‌اند با یکدیگر متفاوت است. برخی از این دیدگاه‌ها عبارتند از:

غنا تنها در حال زفاف یعنی، وقتی عروس را به خانه شوهر می‌برند، جایز است. (محقق حلی، ۱۴۱۸، ص ۱۱۶؛ بحرانی، ۱۴۰۵، ۱۱۶/۱۸؛ خویی، بی تا، ۳۱۴/۱)

غنا در شب یا روز عروسی جایز است، اعم از زفاف و بعد آن. امام خمینی رحمته الله علیه این نظر را پذیرفته است. (موسوی خمینی، ۱۴۱۰، ۲۳۳/۱)

غنا در مطلق مراسمی که به نام عروسی برگزار می‌شود، جایز است، حتی مجالسی که روزهای قبل از زفاف یا بعد از زفاف برگزار گردد.

در کتاب‌هایی مانند مبسوط (۱۳۷۸، ۲۲۴/۸)، نهاییه (۱۴۰۰، ۱۰۳/۲)، قواعد (۱۴۱۳، ص ۱۲۰)، مختلف (۱۴۱۳، ۱۸/۵)، دروس (۱۴۱۲، ۱۶۲/۳)، مسالک (۱۴۱۳، ۱۳۶/۳)، جواهر (۱۴۰۴، ۴۸/۲۲) و مکاسب شیخ انصاری (۱۴۱۳، ۲۶۶/۱) به ظاهر این دیدگاه مورد پذیرش قرار گرفته است؛ زیرا در این کتاب‌ها مسئله این‌گونه بیان شده است: «اباحه غنا در عروسی» یا «جواز مزد زنی که در عروسی‌ها می‌خواند». ابابصیر می‌گوید: «از امام باقر علیه السلام در مورد کسب زنان خواننده پرسیدم. امام علیه السلام فرمود: کسب آن زنانی که مردها در مجلس آنان وارد نشوند و زنانی که به مجالس عروسی جهت خوانندگی دعوت می‌شوند، حلال است و غنای حرام، مصداق سخن خداوند است که می‌فرماید: «و من الناس من یشتری لهو الحدیث» (کلینی، ۱۴۰۷، ۱۱۹/۵).

## ۲-۷. غنا در مرثی

از تتبع در کتاب‌های فقهی بر می‌آید که اولین بار محقق کرکی در جامع المقاصد (۳۰۸/۴) مسئله جواز غنا در مرثی را مطرح کرده است. پس از او محقق اردبیلی (۱۴۰۳، ۱۶۱/۸)، محقق سبزواری (۱۲۶۹، ص ۸۶) و برخی دیگر از فقها آن را تأیید و اثبات کرده‌اند. امام خمینی رحمته الله علیه در ابتدا می‌فرماید: «اما غنا در مرثی و قرائت قرآن، پس چه بسا ممکن است گفته شود که این دو استثنا شده‌اند از حکم حرمت غنا و استدلال شده است» (موسوی خمینی، ۱۴۱۰، ۲۱۹/۱). آنگاه به ذکر ادله قائلین به این استثنا پرداخته است و بعد از نقد آنها در پایان می‌فرماید: «اقوی آن است که غنا در مرثی و بیان فضیلت‌ها و خواندن دعاها از حکم غنای حرام، استثنا نشده‌اند». آیت الله

خوبی با عبارت مستثنیات حرمة الغناء می‌فرماید: «غنا در مرثیه امام حسین علیه السلام و دیگر معصومین از حکم حرمت غنا استثنا شده است». وی بعد از بیان محقق اردبیلی در جواز غنا بر رثای امام حسین علیه السلام می‌فرماید: «اساساً غنا در مرثی تخصیصاً از موضوع غنا خارج است، پس نباید آن را تحت مستثنیات حرمت غنا به حساب آورد. بر فرض که اطلاق غنا بر آن صحیح باشد باید گفت اطلاقات دلیل حرمت غنا شامل چنین غنایی می‌شود و دلیلی بر استثنای آن وجود ندارد» (خوبی، بی‌تا، ۳۱۳/۱).

#### ۷-۲-۱. دلیل قائلین به جواز غنا در مرثی

امام صادق علیه السلام در روایتی فرمود: «پدرم به من فرمود: ای جعفر، فلان مقدار از مالم را برای نوحه خوانان وقف کن که مدت ده سال در ایامی که حجاج در منا جمع می‌شوند برای من نوحه سرایی کنند». (خوبی، بی‌تا، ۳۱۳/۱)

#### ۷-۲-۲. تحقق نیافتن مفهوم غنا در مرثی

برخی مدعی شده‌اند که علت حرمت غنا آن است که سبب ایجاد رب است و طرب در مفهوم غنا به کار رفته است. از طرفی در مرثی، طربی نیست؛ زیرا مرثی برای حزن و اندوه وضع شده‌اند. از این رو در مرثی، مفهوم غنا و طرب تحقق نمی‌یابد. (اردبیلی، ۱۴۰۳، ۶۳/۸)

#### ۷-۲-۳. سیره مستمره فقها و متشرعین

از زمان شارع مقدس تاکنون سیره مسلمانان فقها و متشرعین این بوده است که در مجالس مرثی اهل بیت علیهم السلام و اقامه عزا برای سالار شهیدان امام حسین علیه السلام شرکت می‌کردند و نسبت به آن اعتراض نکرده‌اند و این نشانه جواز غنا در مرثی است. (مختاری، ۱۳۹۶، ۱۳۰۶/۲)

#### ۷-۳. غنا در خدا

اهل لغت خدا را سرود یا آوازی می‌دانند که ساریانان در صحرا برای شترانشان می‌خوانند تا با سرعت بیشتری حرکت کند. (ابن اثیر، بی‌تا، ۳۵۵/۱؛ طریحی، ۱۴۱۶، ۴۷۵/۱؛ ابن منظور، ۱۴۱۴،

۱۶۸/۱۴؛ جوهری، بی تا، ۲۳۰۹/۶) در گفتار فقها نسبت به حکم حدا اختلافاتی وجود دارد. برخی قائل به حرمت (نراقی، ۱۴۱۵، ۱۴۳/۱۴؛ مختاری، ۱۳۹۶، ۱۷۸۸/۳) و برخی قائل به جواز (محقق سبزواری، ۱۲۶۹، ص ۸۶؛ نجفی، ۱۴۰۴، ۵۰/۲۲) آن شده‌اند. امام خمینی رحمته الله علیه پس از بیان دیدگاه برخی از فقها می‌فرماید: «انصاف آن است که شهرت قابل اعتمادی در هر دو طرف مسئله جواز و عدم جواز وجود ندارد» (موسوی خمینی، ۱۴۱۰، ۲۲۹/۱). ایشان در پایان می‌فرماید: «نتیجه آنکه حُدا از دلیل حرمت غنا استثنا نشده است» (موسوی خمینی، ۱۴۱۰، ص ۲۳۲). نظر آیت‌الله خویی در حکم حدا این‌گونه است: «هر چند مشهور قائل به استثنای آن از دلیل حرمت غنا هستند، اما این قول چون دلیل معتبری ندارد، ممنوع است. بله باید گفت اصلاً حدا از نظر مفهومی خارج از غناست» (خویی، بی تا، ۳۱۴/۱).

### ۷-۳-۱. ادله قائلین به جواز حدا

بررسی حکم جواز حدا مبتنی بر آن است که حدا از مصادیق غنای اصطلاحی نباشد؛ زیرا این مسئله در صورتی وارد بحث غنا می‌شود که با صوت غنای لهوی خاص ایراد شود.

### اول) روایت

رسول اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «توشه مسافر، حدا و شعری است که در آن سخن زشتی نباشد». (صدوق، ۱۴۱۳، ۱۸۳/۲) این روایت در محاسن، بحار الانوار، جعفریات و وسائل الشیعه و... نیز ذکر شده است. بیهقی از علمای اهل سنت در سنن خود بایی در این باره دارد که در آن ده حدیث بر جواز حدا آورده است. مضمون احادیث حاکی از این است که حدا نه تنها از جانب پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله نهی نشده بلکه در مواردی تأیید هم شده است (بیهقی، ۱۴۲۴، ۲۲۶/۱۰ - ۲۲۷۹).

### دوم) اصله الجواز

در مفتاح الکرامه آمده است: «شاید یکی از دلایل کسانی که قائل به استثنای حدا از تحت ادله حرمت غنا هستند، اصله الجواز است». (مجلسی، ۱۴۱۰، ۳۷۸/۴۴) توجه به این نکته مهم است که در بحث مستثنیات از غنا بین فقها اختلاف نظر وجود دارد. در نوشتار حاضر، ادله قائلین



به جواز این استثناها بیان شد درحالی که بسیاری از فقها بر این موارد نقدهایی دارند که به دلیل تفصیل مطلب از بیان آن خودداری شد.

## ۸. نتیجه‌گیری

به صوتی که با ترجیع و کیفیت خاصی ادا شود که طرب‌انگیز باشد و یا آواز خوش و شادی‌آفرین را غنا می‌گویند. فن موسیقی و غنا ابتدا در میان اقوام متمدن آن زمان مانند ایران و روم شناخته شده و به کار می‌رفته است. ورود موسیقی فنی و پیچیده در اثر ارتباط اقوام عرب جاهلی با اقوام دیگر حاصل شد. در دوران پیامبر اسلام ﷺ نفوذ موسیقی از دیگر سرزمین‌ها در قلمرو عرب آغاز شده بود. در آیات و روایات نیز به غنا اشاره شده است و واژه غنا صریحا ذکر نشده و عنوان‌هایی به کار رفته است که براساس روایات تفسیری بر غنا تطبیق شده اند؛ مانند آیه لهوالحدیث و گاهی در معنای مثبت به کار رفته است. امام علیؑ فرمود: «غنا تا زمانی که به حد معصیت نرسد، اشکال ندارد». نگاهی به متون فقهی عالمان شیعی از قرن چهارم هجری تا کنون به این نظریه قطعی هدایت می‌کند که از منظر فقها غنا حرمت ذاتی دارد و فاعل آن نیز جزء فاسقان است. اهل سنت درباره حکم غنا اختلاف بسیاری دارند. استثناهایی در حکم حرمت غنا وجود دارد مانند غنا در عروسی، مراثی و حدا که اگر در حد غنای اصطلاحی نرسد برخی از فقها حکم به جواز داده‌اند و برای اثبات نظریه خود به روایات و اقوال فقها تمسک کرده‌اند.

## فهرست منابع

- \* قرآن کریم . مترجم: مکارم شیرازی، ناصر.
۱. ابن اثیر، مبارک بن محمد (بی تا). النهایه فی غریب الحدیث و الاثر. قم: اسماعیلیان.
  ۲. ابن ادریس، محمد بن منصور (۱۴۱۰). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: انتشارات اسماعیلیان.
  ۳. ابن خلدون، عبدالرحمان (۱۳۹۱). مقدمه ابن خلدون. بی جا: انتشارات علمی فرهنگی.
  ۴. ابن منظور، محمد بن مکرم (۱۴۱۴). لسان العرب. بیروت: دارالفکر.
  ۵. اردبیلی، احمد بن محمد (۱۴۰۳). مجمع الفائدة و البرهان. قم: دفتر انتشارات اسلامی.
  ۶. اصفهانی، ابوالفرج (۱۳۷۳). الاغانی. بیروت: داراحیاء التراث العربی.
  ۷. انصاری، مرتضی (۱۴۲۰). المکاسب. قم: مجمع الفکر.

۸. بحرانی، آل عصفور، و یوسف بن احمد بن ابراهیم (۱۴۰۵). حدائق الناضرة في احكام العترة الطاهرة. قم: انتشارات اسلامي.
۹. بیهقی، احمد بن حسین (۱۴۲۴). سنن الكبرى. بيروت: دارالکتب العلميه.
۱۰. جبعی عاملی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳). مسالك الأفتہام الى تنقيح شرايع الاسلام. قم: مؤسسه المعارف الإسلاميه.
۱۱. جزیری، عبدالرحمان (۱۴۱۹). الفقه على المذاهب الاربعه. بيروت: دارالتقلین.
۱۲. جوهری، اسماعیل بن حماد (۱۴۱۰). الصحاح. بيروت: للملايين.
۱۳. جوهری، اسماعیل بن حماد (بی تا). صحاح اللغه. بی تا: بی جا.
۱۴. حسینی رودباری، سید مصطفی، و سلیمی، محمد (۱۳۹۱). موسیقی و رسانه. تهران: مرکز پژوهش های صدا و سیما.
۱۵. حلّی، جعفر بن حسن (۱۴۰۸). شرايع الاسلام في مسائل الحلال والحرام. قم: انتشارات اسماعیلیان.
۱۶. حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۴). تذکره الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۱۷. حلّی، حسن بن یوسف مطهر اسدی (۱۴۱۳). قواعد الاحکام في معرفه الحلال والحرام. قم: دفتر انتشارات اسلامي.
۱۸. حلّی، فخر المحققین محمد بن حسن بن یوسف (۱۳۸۷). ایضاح الفوائد في شرح مشکلات القواعد. قم: اسماعیلیان.
۱۹. حلّی، مقداد بن عبدالله سیوری (۱۴۰۴). التنقيح الرابع. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۲۰. حمیری، عبدالله بن جعفر (۱۴۱۳). قرب الاسناد. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۲۱. خوبی، سید ابوالقاسم (بی تا). مصباح الفقاهه. نجف: مطبعه الحدريه.
۲۲. دهخدا، علی اکبر (۱۳۴۱). لغت نامه دهخدا. تهران: سازمان مدیریت و برنامه ریزی کشور.
۲۳. زبیدی، مجدالدین (۱۴۱۴). تاج العروس من جواهر القاموس. بيروت: دارالفکر.
۲۴. سبزواری، محمد باقر (۱۲۶۹). کفایه الاحکام. بی جا: الطبعه الجعديه.
۲۵. شهید اول، محمد بن مکی (۱۴۱۲). الدروس الشرعيه في فقه الاماميه. قم: انتشارات اسلامي وابسته به جامعه مدرسين.
۲۶. شهید ثانی، زین الدین بن علی (۱۴۱۳). مسالك الافہام الى تنقيح شرايع الاسلام. قم: المعارف الاسلاميه.
۲۷. شیخ مفید، محمد بن نعمان (۱۴۱۰). المقنعه. قم: جامعه مدرسين.
۲۸. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۳). من لایحضره الفقيه. قم: دفتر انتشارات اسلامي.
۲۹. صدوق، محمد بن علی بن بابویه (۱۴۱۵). المقنعه. قم: مؤسسه امام هادی علیهم السلام.
۳۰. طریحی، فخرالدین (۱۴۱۶). مجمع البحرين. تهران: کتابفروشی مرتضوی.
۳۱. طوسی، ابوجعفر محمد بن حسن (۱۴۰۰). النهایه في مجرد الفقه و الفتاوى. بيروت: دارالکتب العربی.
۳۲. طوسی، محمد بن حسن (۱۳۷۸). المبسوط في فقه الاماميه. تهران: المكتبه المرتضويه لإحياء الآثار الجعفریه.
۳۳. عاملی (شهید ثانی)، زین الدین بن علی (۱۴۱۰). الروضه البهيه في شرح اللمعه الدمشقيه. قم: کتابفروشی داوری.
۳۴. عاملی، محمد بن حسن (۱۴۰۹). وسائل الشيعه الى تحصيل مسائل الشريعه. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۳۵. علامه حلّی، حسن بن یوسف (۱۴۱۳). مختلف الشيعه. قم: دفتر انتشارات اسلامي.
۳۶. غزالی، محمد بن محمد (۱۳۹۰). احیاء علوم الدين. بی جا: انتشارات علمی فرهنگی.
۳۷. فراهیدی، خلیل بن احمد (۱۴۱۰). العين. قم: نشر هجرت.

۳۸. فیض کاشانی، محمد محسن (بی تا). مفاتیح الشرایع. قم: انتشارات کتابخانه آیت الله مرعشی نجفی.
۳۹. کاشانی، ملا حبیب الله شریف (۱۴۱۷). ذریعه الاستغنا. قم: مرکز احیای آثار ملا حبیب الله شریف کاشانی.
۴۰. کرکی، محقق ثانی (۱۴۱۴). جامع المقاصد فی شرح القواعد. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام.
۴۱. کلینی، محمد بن یعقوب (۱۴۰۷). اصول کافی. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۴۲. مجلسی، محمد باقر (۱۴۱۰). بحار الانوار. بیروت: مؤسسه الطبع و النشر.
۴۳. محقق حلّی، نجم الدین بن حسن (۱۴۱۸). المختصر النافع. قم: مؤسسه المطبوعات الدینیّه.
۴۴. مختاری، رضا، و صادقی، محسن (۱۳۹۶). غنا موسیقی. قم: بوستان کتاب.
۴۵. معرفت، محمد هادی (۱۳۸۸). التمهید فی علوم القرآن. بی جا: انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین.
۴۶. موسوی خمینی، روح الله (۱۴۱۰). المکاسب المحرمه. قم: مؤسسه اسماعیلیان.
۴۷. نجفی، محمد حسن (۱۴۰۴). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام. بیروت: دارالأحیاء التراث العربی.
۴۸. نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵). مستند الشیعه. قم: مؤسسه آل البيت.
۴۹. وزارت اوقاف و شئون اسلامی (۱۴۰۴). الموسوعه الفقهیّه. کویت: بی نا.